

دکتر احمد بهشتی

## آموزش

عیسیٰ (ع)  
پیام آور اسلام  
بخش نهم:  
مسیح در قرآن  
(۲۲)

## کتاب و حکمت

دومین نعمت و منت خداوندی بر حضرت عیسی و مادرش، این است که مورد تعلیم خداوند قرار می گیرد و کتاب و حکمت و تورات و انجیل را از ساحت قدس او می آموزد.

قرآن نه تنها در مورد حضرت عیسی از چنین نعمت والاّی، سخن می گوید و در حقیقت، بایان اینکه او مشمول تعلیم کتاب و حکمت قرار گرفته و رهین منت او گشته، مقام او را بالا می برد، بلکه مسلمانان را هم مخاطب ساخته، می گوید:

﴿وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ﴾ (البقره، آیه ۲۳۱).

« به یاد آورید نعمتی را که خداوند بر شما ارزانی داشت و کتاب و حکمتی که بر شما نازل کرد » (۱).

پس هرکس از کتاب و حکمت الهی بهره مند شود، اعم از اینکه خدامعلم او باشد، یا بندگان ویژه و مقرب خدا، مشمول منت ها و نعمتهای الهی گشته است.

خداوند معلم پیامبران است، او به پیامبران تعلیم کتاب و حکمت می دهد و پیامبران معلم انسانها و آنچه خود از معلم ازلی آموزش دیده اند، به دیگران می آموزند.

عیسی یکی از پیامبران اولوالعزم الهی است. او نخست جان و دلش به کتاب و حکمت، از طریق تعلیم الهی بارور می شود، آنگاه به تعلیم انسانها می پردازد. این مطلب را قرآن، اینگونه بیان می کند:

(۱) در آیه فوق، عبارت « وما ازل علیکم من الكتاب والحكمة » عطف تفسیری است بر « نعمة الله علیکم ».

﴿ وَإِذْ عَلَّمْنَاكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاتَ وَالْإِنْجِيلَ ﴾ (المائدة، آیه ۱۱۰).

«و (به یاد آور) که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو تعلیم دادم».

همچنین در آیات تحدیث از سوره آل عمران می فرماید:

﴿ وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَاتَ وَالْإِنْجِيلَ ﴾ (آل عمران، آیه ۴۸).

(ای مریم، خداوند تورا به فرزندت بشارت می دهد که از جمله نعمتهائی که به وی

ارزانی می دارد، این است که:) «به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل، تعلیم می دهد».

در اینجا لازم است در باره عناوین چهارگانه کتاب، حکمت، تورات و انجیل - بحث

شود. آیا آنچه به عیسی تعلیم شده، یک چیز است یا متعدد؟ معلوم است که تورات کتابی بود که

در میقات، به صورت «الواح»<sup>(۱)</sup> بر حضرت موسی نازل شد و انجیل - که به معنای بشارت است -

بر عیسی نازل شد. بنابراین، تورات و انجیل دو کتاب آسمانی اند که البته هدف آنها یکی است.

اما آیا مقصود از کتاب و حکمت، همان تورات و انجیل است یا اینکه با یکدیگر مغایرت

دارند؟

### کتاب و حکمت

راغب اصفهانی می گوید: «کتاب، دراصل مصدر است. آنگاه به آنچه مطالبی در آن

نگاشته می شود، کتاب گفته می شود. کتاب، دراصل نام است برای صحیفه و آنچه در آن،

نوشته می شود» (۲).

به نظر وی اصل در کتابت، نظم به خط است، اما گاهی به آنچه نظم به لفظ دارد نیز،

کتاب گفته می شود. به همین جهت است که به کلام خدا کتاب می گویند. گو اینکه نوشته

نشده باشد (۳).

گاهی منظور از کتاب، قرآن مجید است. چنانکه می فرماید:

﴿ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ ﴾ (البقره، آیه ۲).

(۱) الاعراف، آیه ۱۳۵ و ۱۵۰ و ۱۵۴.

(۲) المفردات فی غریب القرآن: کتب.

(۳) همان مدرک.

«در باره این کتاب، شکی نیست».

وگاهی منظور از کتاب، قرآن مجید نیست، بلکه معانی و مصادیق دیگری دارد که با تتبع در آیات بسیاری که متضمن این کلمه می باشند، معنای آن به دست می آید. قدر مسلم این است که هر جا خداوند از آموزش کتاب از ناحیه خود سخن می گوید، منظورش وحی است.

علامه طباطبائی ره می فرماید: «کتاب همان وحی است که رافع اختلافات مردم است و حکمت، همان معرفت نافع و سودمندی است که به اعتقاد یا عمل مربوط است» (۱). در کتاب قاموس قرآن، ذیل کلمه حکمت می گوید: «این کلمه بیست بار در قرآن مجید تکرار شده و در بیشتر موارد، توأم با کتاب است و تعلیم و انزال آن از جانب خداوند و از جانب پیامبران نسبت به مردم است. مراد از کتاب در آن موارد، احکام شریعت و کلمات دین و مراد از حکمت همان محکم کاری و تشخیص است» (۲).

در سوره مبارکه جمعه، پیامبر گرامی به عنوان کسی که دارای ویژگیهای سه گانه است، معرفی شده:

۱ - تلاوت آیات خداوند.

۲ - تزکیه.

۳ - تعلیم کتاب و حکمت.

﴿يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (الجمعه، آیه ۲).

در سوره مبارکه بقره نیز همین ویژگیها در دو مرحله برای آن بزرگوار آمده. منتهی یکبار تزکیه بعد از تعلیم و یکبار قبل از تعلیم آمده.

یکی در دعای ابراهیم خلیل - علیه السلام - است:

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾ (البقره، آیه ۱۲۴).

«پروردگارا، در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آنها تلاوت کند و آنها را تعلیم کتاب و حکمت دهد و آنها را تزکیه کند».

(۱) المیزان، ج ۳، ص ۲۱۴.

(۲) نوشته سید علی اکبر قرشی، ص ۱۶۳: حکم.

و دیگری به دنبال آیات مربوط به قبله است که از آیه ۱۴۲ شروع وبه آیه ۱۵۲ ختم می شود، آنگاه درمقام تشبیه به آنچه قبلاً انجام شده، می فرماید:

﴿ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ ﴾ .

« همان طوری که به شما نعمت بخشیدیم و خانه ای را که بانی آن، ابراهیم است، به عنوان قبله شما معین کردیم، در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم که آیات ما را بر شما تلاوت کند و شما را تزکیه نماید و شما را کتاب و حکمت تعلیم دهد» .

از این آیات قرآنی استفاده می شود که معلم نخستین کتاب و حکمت، خداست . آنگاه، پیامبران خدا که کتاب و حکمت از او آموخته اند، نخستین معلم انسانها و صد البته که پیامبر گرامی اسلام، میرزترین و کامل ترین مصادیق تعلم و تعلیم کتاب و حکمت است .

علامه طباطبائی می فرماید: « حق، همان رأی و اعتقادی است که واقع با آن، مطابق و رشد با آن، ملازم و از هرگونه گمراهی به دور است . حکمت یعنی همین . یعنی رأیی که در صدق و نفع آن . احکام شده و کذبی در آن، راه نیافته و ضرری به دنبال ندارد . خداوند در آیه ﴿ وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ ﴾ (النساء، آیه ۱۱۳) اشاره کرده که دعوت پیامبر مشتمل بر حکمت است و نیز کلام خود را درآیه ﴿ وَ الْقُرْآنَ الْعَلِيمِ ﴾ (یس، آیه ۲) توصیف به حکمت کرده و پیامبر خود را در چند مورد از قرآن، معلم حکمت شمرده است» (۱) .

منظور از تلاوت آیات که یکی از وظائف سه گانه پیامبر گرامی اسلام است، این است که او با اینکه امی و درس ناخوانده است، آیات قرآن را برای مردم می خواند و منظور از تعلیم کتاب این است که الفاظ قرآن را بیان و مشکلات آیات را تفسیر و تبیین می کند .

در حقیقت تعلیم کتاب، همان آموزش قرآن است، آموزش قرآن، به معنای سوادآموزی یعنی خواندن و نوشتن نیست، بلکه دروسی است که انسانها را در فهم و درک قرآن یاری می کند و آنها را به گونه ای بار می آورد که بتوانند خود از قرآن بهره گیرند و مشکلات آن را به کمک کلیدهای واقعی فهم قرآن، درک کنند .

از آنجائی که قرآن خود کتاب حکمت است، می توان گفت: معلم کتاب، همان معلم

حکمت است. منتهی آنگاه که پیامبر اکرم ﷺ، معلم کتاب است، عنوانش معلم حکمت نیست. بلکه آموزش می دهد که مسلمانان بتوانند با کلیدهای دقیق فهم قرآن، مشکلات را بگشایند و خود در این راه، اجتهاد کنند، بدون اینکه در دام تفسیر به رأی گرفتار شوند و با تأویلها و توجیهاات ناروا به سمتی کشانده شوند که آنچه به نام قرآن می گویند، بیگانه از قرآن باشد.

با این بیان، معلوم می شود که قرآن، آموزش می خواهد، استنباط صحیح و دقیق محتوای کتاب، نیاز به نظامی صحیح و دقیق دارد. این نظام را خدا به پیامبر و پیامبر ﷺ به مردم می آموزد.

این طور نیست که هرکسی با مختصر آشنائی با زبان عربی مفسر قرآن باشد، همچنانکه اینطور نیست که هرکس معنای آیات و روایات را بداند، فقیه و مجتهد و صاحب فتوی باشد. تفسیر، قاعده و ضابطه دارد. همچنانکه فقهات و اجتهاد نیز بدون قاعده و ضابطه نیست و هرکسی را نسزد که از قبض یا بسط احکام و حکم الهی دم بزند و فقهاء و مفسران کار آزموده را زیر سؤال ببرد.

باتوجه به بیان فوق، معلوم می شود که لازمه تعلیم کتاب و لازمه یاد دادن روش صحیح فهم و درک آن، تعلیم حکمت است. اما این کار، خود تعلیم حکمت نیست.

اگر منظور از تعلیم حکمت، همان تعلیم کتاب باشد، عطف تعلیم حکمت بر تعلیم کتاب، عطف تفسیری است، پیامبر گرامی اسلام ﷺ، علاوه بر اینکه تعلیم روش صحیح تفسیر قرآن می دهد و علاوه بر اینکه مبانی صحیح تفسیر را به مردم می آموزد، تعلیم حکمت نیز می دهد. یعنی جدای از تعلیم قرآن و روش صحیح تفسیر آن، آموزشهای دیگری نیز می دهد که آنها نیز حکمتند اعم از اینکه در قرآن باشند یا نباشند، پس پیامبر خدا دارای دو چهره است: یکی چهره آموزش مبانی و راه و رسم تفسیر صحیح و دقیق قرآن و دیگری چهره آموزش حکمت.

آنجا که خداوند نیز به عنوان معلم کتاب و حکمت، معرفی می شود، منظور همین است. یعنی خداوند در یک مرحله، کتاب خود را از نظر محتوی و روش صحیح فهم و درک آن، آموزش می دهد و در مرحله دیگر، آموزش حکمت می دهد و دل و جان پیامبرش را به نور حکمت روشن می کند. گو اینکه آموزش کتاب نیز از مقوله آموزش حکمت خارج نیست.

آنگاه که خداوند آموزش کتاب می دهد، وحی خود را بر قلب پیامبران نازل می کند و او را

برفهم و درك صحيح آن، ياری می دهد و آنجا که آموزش حکمت می دهد، به پیامبرش معرفتی می بخشد که او را در اعتقادات و اعمال، مفید و نافع باشد.

## تورات و انجیل

تا اینجا معلوم شد که منظور از اینکه خداوند در مقام امتنان و در مقام تحدیث، سخن از تعلیم کتاب و حکمت گفته، چیست؟

اکنون ببینیم مقصود از تورات و انجیل چیست؟ آیا مقصود همان کتاب و حکمت است بنابراین، عطف تعلیم تورات و انجیل بر تعلیم کتاب و حکمت، عطف تفسیری است یا اینکه مقصود چیزی دیگر است و عطف تفسیری نیست.

قطعاً تورات و انجیل هم مشتمل بر حکم الهی است. آنچه بر حضرت عیسی نازل شده، انجیل است نه تورات. بنابراین، مقصود از تعلیم کتاب، وحی و انزال انجیل و آموزش روش صحیح درك و فهم آن است و منظور از تعلیم حکمت، حقایقی است که عیسی آموخته است. می تواند تعلیم تورات، بخشی از تعلیم حکمت باشد.

بنابراین، تعلیم انجیل، همان تعلیم کتاب و تعلیم تورات، همان تعلیم حکمت یا بخشی از آن است.

بدین ترتیب مغایرتی میان تعلیم کتاب و حکمت و تعلیم تورات و انجیل نیست و عطف دومی بر اولی، عطف تفسیری است.

در خاتمه این بحث، جای طرح يك سؤال است و آن اینکه: آیا تلقی کتاب و حکمت از سوی حضرت عیسی، دفعی و آنی است یا تدریجی؟

جمله: «وَ إِذْ عَلَّمْنَاكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» دلالت بر تدریجی بودن تعلیم و تعلم کتاب و حکمت ندارد. بلکه ظهور و دلالت آن بر دفعی بودن، قوت دارد چرا که به عیسی می گوید: به خاطر آور که تو را تعلیم کتاب و حکمت و تورات و انجیل دادم. بعید است که این تعلیم، طی دوران و زمان ممتدی صورت گرفته باشد. شاید این مطلب اینکه عیسی بود از ولادت خود که زبان به تکلم گشود، گفت: «أَتَانِي الْكِتَابُ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم، آیه ۳۰) ظاهر این عبارت نیز همین است که عیسی به طور دفعی کتاب را دریافت کرده و جامه نبوت را بر اندام خود پوشیده است.